

تیر سه شعبه بر گوی کرامت انسان!

مجتبی لطفی

پس از درگذشت محمد محمدی ری شهری، سه پیام تسلیت می‌تواند با تعابیر به کار رفته در وصف وی عبرت‌انگیز و قابل تامل باشد از جمله:

سیدمحمد خاتمی: عالم بزرگوار، خدمتگذار انقلابی نظام.

حسن خمینی: پاکترین سیاستمدار، با اخلاص‌ترین کارگزار نظام و زحمات اثرگذار.

حسن روحانی: چهره خدوم به مکتب و نظام، نیت خالصانه و جهاد و تلاش برای اعتلای فرهنگ دینی.

قاعدتا ما نمی‌توانیم به حضرات ابرادی برای ابراز عقیده خود در باره یک متوفی وارد نماییم، اظهار نظر و ابراز برداشت از خصلت‌های فردی که در امنیتی، قضایی و سیاسی‌ترین پرونده‌ها و پست‌های مدیریتی منشا اقداماتی بی‌شمار و اثرگذار بوده، و با حضرات دوستی داشته، آزاد است.

تا اینجا کار طبیعی می‌نماید اما، پرسش این است که اگر چهره‌ای چون ری شهری انسانی پاکتر، با اخلاص‌تر، خدمتگذار، انقلابی، خادم دین و... بوده است، پس انتقاداتی که حضرات نام برده به وضعیت حقوق بشر، زندانها، برخوردهای امنیتی در ایران داشتند، متوجه چه کسی بود؟ سنت‌هایی که در سیستم امنیتی و قضایی و به ویژه دادرسی ویژه روحانیت، نهادینه شد، چه کسی پایه گذاری نمود؟ اعدام‌های خارج از عرف و قوانین قضایی که برخی از آنها را افسران حزب توده که دست راست وی بودند، مقدمه چینی کرده و با امضای ری شهری اجرا شد، در پیش چشم حضرات نبود؟ چه کسی گزارشاتی را به آیت الله خمینی می‌داد که منجر به صدور حکم اعدام زندانیانی شد که در حال تحمل کیفر صادره بودند؟ سنت حذف مخالفان با هر وسیله که قتل‌های زنجیره‌ای نمونه شاخص آن بود، توسط چه کسی و کسانی نهادینه شد؟

حسن خمینی وی را پاکترین و با اخلاص‌ترین کارگزار نظام شمرده است، شاید نظر وی به همکاری وی با پدرشان سیداحمد خمینی باشد. در این صورت برخوردهای تند و خشن و ظالمانه با مراجع و علمایی چون آیات عظام: شریعتمداری، قمی، روحانی، شیرازی و به ویژه آیت‌الله منتظری، در قاموس پاکی و اخلاص می‌گنجد؟

ایجاد اختلاف میان مراجع و حاکمیت نشان از پاکی و اخلاص داشت یا او مجری امیال دیگران بود؟

تاسیس مجدد دادرسی ویژه روحانیت بر خلاف قانون اساسی، و تهیه ۴۰ ماده قانونی اختصاصی برای آن، و برخوردهای غیر حقوقی و صرفاً سیاسی با روحانیون منتقد که حسن خمینی با نوع آشنایی دارد، از لوازم پاکی و اخلاص است؟ آیا در طول چندین سال مدیریت ری شهری بر مناصبی که با خون، مال و عرض مردم سروکار داشته، هیچ خلاف بی‌نی رخ نداده است؟ او را انقلابی خواندند، آیا می‌توانند از سابقه انقلابی وی نشانه‌ای بنمایند؟ گویا مرادشان انقلابی پس از انقلاب است! به این پرسش پاسخ دهند: فردی که سابقه انقلابی و مبارزه نداشته، چگونه در مناصب مهمی قرار می‌گیرد که انقلابیون منتقد را از صحنه حذف می‌کند؟

راستا حسینی بفرمایند، پز دفاع از حقوق بشر و انسان و شهروندی، ویتیرینی بیش نیست و هر آنچه گفتند و نوشتند، با آنچه در خلوت می‌اندیشند، تناقضی بس ژرف و عمیق دارد!

الغرض: از دیگران انتظاری نیست اما انتظار این نبود که بر خلاف تاریخ و افکار عمومی این سه بزرگوار بر خلاف مواضعی که داشتند، گوی کرامت انسان را (با تعابیر بکار برده در وصف تازه درگذشته، و صحنه گذاشتن بر آن اقدامات) با تیر سه شعبه هدف قرار دهند!